

ارزیابی اثرات اجتماعی مسکن مهر

نمونه موردی: فولاد شهر اصفهان

احمدعلی نامداریان^{۱*}، سمیه خانی^۲

۱- دانشجوی دکتری شهرسازی - دانشگاه علم و صنعت ایران (Ahmadnamdarian@yahoo.com)

۲- دانشجوی دکتری معماری اسلامی - دانشگاه هنر اسلامی تبریز (Somaye.khani@ymail.com)

خلاصه :

مسکن یکی از مهم ترین و اصلی ترین نیازهای انسانی است. اهمیت مسکن تنها به نیاز فردی انسان به سرپناه و مأمن مناسب محدود نمی شود بلکه مسکن، اولین هسته ی یک جامعه را نیز تشکیل می دهد. توجه به هر کارکرد مسکن بدون در نظر گرفتن نقش دیگر مسکن منجر به بحران های فردی و اجتماعی فراوانی خواهد شد. بسیاری از طرح هایی که توسط مکاتب مختلف فکری برای مسکن و محله اندیشیده شده، به واسطه ی در نظر نگرفتن این دو نقش اساسی مسکن، با شکست مواجه بوده است. امروزه با توجه به رشد روز افزون جمعیت شهری، نیاز آنها به مسکن به یک دغدغه اصلی خانوارها و دولت ها تبدیل شده است. وجود طبقات مختلف در شهر با توانایی های گوناگون باعث آن شده که یکی از انتظارات دولت، فراهم کردن مسکن مناسب برای اقشار کم درآمد باشد. این مقاله با یک بررسی توصیفی - تحلیلی به معرفی شاخص ها و معیارهای اجتماعی مسکن پرداخته و پس از مشاهده مستقیم و غیر مستقیم به ارزیابی اثرات اجتماعی مسکن مهر فولادشهر اصفهان پرداخته است. بررسی ها نشان می دهد برنامه مسکن اجتماعی اگر صرفاً به رفع نیاز سرپناه افراد بپردازد و به بستر محیطی، معیشتی و فرهنگی توجه کافی نداشته باشد دیر یا زود زمینه ساز بحران های اجتماعی فراوانی خواهد شد. برنامه مسکن اجتماعی دارای اثرات اجتماعی فراوانی است که در آینده نزدیک و دور به بدنه اصلی شهرها تحمیل خواهد شد و بیم آن می رود این مناطق به سکونتگاه های حاشیه ای مدرن تبدیل شود.

کلمات کلیدی: مسکن اجتماعی، شاخص های پایداری اجتماعی، مسکن مهر، فولادشهر اصفهان.

مقدمه :

سکونت نیاز پایه ای انسان و یکی از کارکردهای عمده شهر است. بخش قابل توجهی از فضای شهرها را واحدهای مسکونی اشغال کرده و واحد مسکونی به عنوان یکی از عوامل کاربری زمین شهری سهم قابل توجهی از فضای شهر را اشغال نموده است و می توان چنین بیان کرد که سایر کاربری های زمین برای خدمات رسانی به کاربری مسکونی به حساب می آید. هایدگر که سکونت را به «بودن با چیزها» تعبیر می کند، معتقد است، عمل ساختن از آن روی از سوی انسان انجام می گیرد که ناچار به سکونت است، نه این که انسان به دلیل ساختن ساکن می شود. هایدگر همچنین اشاره می کند؛ «در حال حاضر همه از کمبود مسکن سخن می گویند؛ اما کسی به مصیبت واقعی سکونت نمی اندیشد... باید بر مبنای سکونت کردن بنا کنند و برای سکونت کردن فکر کنند» [۱]. می توان گفت، الگوهای مختلف معماری مسکن، ناشی از الگوهای